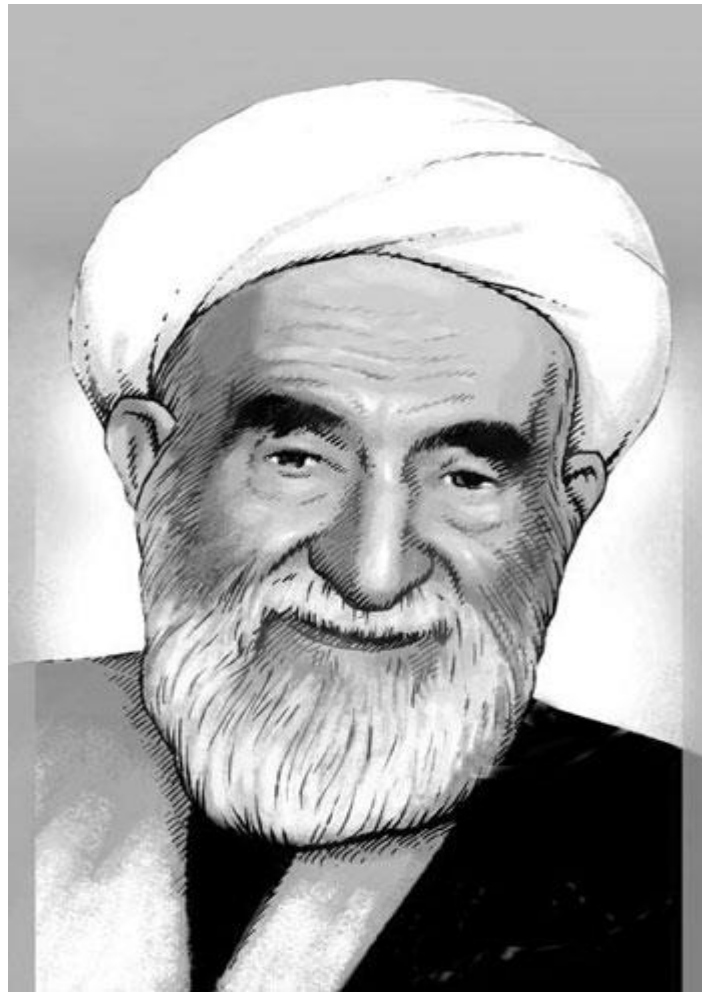


گفت وگو با محمدعلی کوشا عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم

ناگفته هایی از آیت الله صالحی نجف آبادی

- روزنامه اعتماد " دوم دی هشتاد و هشت



حامد شفیعی

- آشنایی جنابعالی با مرحوم آیت الله حاج شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی مربوط به چه زمانی است؟

سرآغاز آشنایی من با آیت الله صالحی نجف آبادی با مطالعه کتاب پرماجرایی «شهید رجایی» به سال ۱۳۵۳ برمی گردد. ولی نخستین دیدار اینجانب با ایشان در سال ۱۳۵۵ بود که پس از گفت وگویی ابتدایی مجذوب مقام علمی و اخلاقی به ویژه تواضع و فروتنی او شدم و سپس در جرگه شاگردان او درآمدم. فراموش نمی کنم در ابتدای دیدار نخست پس از احوالپرسی نامم را پرسید و گفت: کلمه «کوشا» چه صیغه یی است؟ بلافاصله گفتم: صفت فاعلی. سپس پرسید: با چه هدفی به حوزه علمیه قم آمده یی؟ گفتم: می خواهم اسلام را بفهمم و بفهمانم. گفت: همین؟ گفتم: آری «دانستن» و «آگاه کردن» برای من انگیزه اصلی زندگانی است. از جواب های صریح من اظهار مسرت فراوان کرد.

-مقام علمی او را چگونه می دانید؟

برای پی بردن به مقام علمی هر دانشمندی پیش از طرح سوالات علمی باید از استادان و مربیان او سراغ گرفت که چه کسانی بوده اند. مرحوم صالحی نجف آبادی دست پرورده استادان بزرگی همچون آیت الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی و آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی است. نوآوری های فقهی و شرح صدر و بینش باز او ریشه در تعلیمات پراج و ارزش این دو فقیه برجسته دارد. او بارها ضمن تدریس از مقام علمی به ویژه ابتکارات علمی و نکته سنجی و دقت آیت الله بروجردی سخن به میان می آورد و تاکید می کرد شیوه تحقیق را از آیت الله بروجردی آموخته است. از فقاقت و شیوه تدریس و کیفیت ورود به بحث و خروج از آن و تکیه بر استقلال علمی و اعتماد به نفس از آقای بروجردی زیاد سخن به میان می آورد که در مباحث علمی صرفاً نباید نقال بود بلکه باید طالب علم خود به استنباط پردازد. می گفت آیت الله بروجردی به شاگردان متشکل حلقه درس می گفت اینکه می گویی فلان و بهمان چنین و چنان گفته اند به جای خود، ولی تو خودت چه می گویی و با این شیوه افراد را وادار به تحقیق و دستیابی به اظهارنظر خاص اجتهادی خودشان می کرد. مرحوم صالحی می گفت اگر آن شیوه دقیق و باریک بینی و نکته سنجی های آقای بروجردی نبود، من موفق به تالیف کتاب «شهید جاوید» نمی شدم. دقت های علمی آن استاد بزرگ مرا واداشت در هر موضوعی که وارد شوم به گونه اجتهادی به بحث و قلم فرسایی پردازم و دامن تقلید را رها کنم و وارد عرصه تحقیق و آزاداندیشی شوم.

-آیا دیدگاه های آیت الله بروجردی سبب شد ایشان به تالیف کتاب «شهید جاوید» دست

یازند؟

شیوه بحث علمی آیت الله بروجردی ایشان را به جانب تحقیق سوق داده بود نه اینکه به گونه خاص او را وادار به نوشتن چنین کتابی کرده باشد. به عنوان مثال در مباحث فقهی، آیت الله بروجردی اکتفا به شرح و بسط اقوال فقهای شیعه نمی کرد بلکه در ضمن آن به بررسی آرای فقهای اهل سنت آن هم به طور دقیق و عمیق می پرداخته و عملاً «فقه مقارن» را در حوزه قم رسمیت می بخشیده است. او با این شیوه جدید ذهن و زبان طلاب را وارد عرصه وسیع تری می کرده و دیدگاه آنان را توسعه می داده و آنان را از محدوده حوزه قم متوجه گستره دنیای اسلام می کرده است.

-آیا اندیشه های آقای صالحی درباره قیام عاشورا متأثر از شخصیت هایی خاص بوده است؟

مرحوم آقای صالحی می گفت سخنان متناقض و دیدگاه های خلاف عقل و منطق و آرای سست و احياناً خرافی شماری از گویندگان و از طرفی متون به ظاهر متضاد درباره قیام امام حسین (ع) بیش از هر چیز دیگر مرا وادار به مطالعه و بررسی همه جانبه درباره قیام آن حضرت کرد و تصمیم گرفتم همه آرا و نظریات را جمع آوری کنم و همه منابع و مآخذ را مورد بررسی قرار دهم تا به یک نظر معقول و منطقی که با روح قرآن و سنت پیامبر و

امیرالمومنین و اهل بیت اطهار آن حضرت منطبق و هم جهت باشد دست یابم. لذا ایشان قاطعانه و با یک دنیا اعتماد به نفس می گفت؛ من در موضوع قیام امام حسین (ع) نسبت به آنچه دیده ام و شنیده ام و خوانده ام خود را اعلم می دانم و تاکنون هیچ کس به اندازه من در این باره همه جوانب مساله را مورد دقت و بررسی قرار نداده است. به هر حال او در تحقیق خویش به جایی رسیده بود که به یقین و باور قطعی رسیده بود و مسیری که طی کرده بود مسیری استدلالی و اجتهادی بود نه تقلیدی و بازنویسی آرای دیگران.

- شیوه تحقیق مرحوم صالحی نجف آبادی را چگونه ارزیابی می کنید؟

واقع مطلب این است که سبک و سیاق تحقیقی آقای صالحی با سبک و سیاق حوزویان و حتی دانشگاهیان تا حدودی متفاوت است. دیدگاه های او در این باره منحصر به فرد و ویژه خود اوست. مرحوم آیت الله صالحی عنصر «عقل» را در استنباط همه مسائل چه فقهی و چه تفسیری و چه تاریخی و اجتماعی سرلوحه کار خود می دانست و بارها می گفت هرگاه متنی را دیدید که خلاف عقل است حداقل درباره اصالت آن شک کنید البته «خلاف عقل» چیزی است و «مافوق عقل» چیز دیگر. نمونه های بارز این دیدگاه در اکثر آثار او آشکار و هویداست. به عنوان مثال مباحثی چون الف- بحثی در طهارت و نجاست ب- بحثی در اخبار کرج- بحثی در طهارت کافر د- بحثی در آیه محاربه و احکام فقهی آن ه- مباحث مربوط به جهاد در اسلام و- تفسیر سوره یوسف ز- فلسفه قیام امام حسین (ع) در کتاب «شهادت جاوید». ویژگی دیگر آن مرحوم در نگارش، نقد و بررسی دقیق احادیث است. او در این باره سخت متأثر از آیت الله بروجردی بود و خود نیز بارها آن شیوه را می ستود. احادیث و اخبار را از جهت متن، سند و دلالت با دقت تمام مورد بررسی قرار می داد و از همه مهم تر «مصوب» و «مورد» احادیث را از جهت زمانی و مکانی مورد مطالعه همه جانبه قرار می داد و خوش باوری و تقلید را کنار می گذاشت و تنها به کشف واقع می اندیشید و درایت را لازمه فهم صحیح روایت می دانست. مرعوب نشدن در مقابل چهره های ممتاز علمی و اجتماعی در مقام تحقیق از ویژگی های بارز آیت الله صالحی نجف آبادی بود. هرگز عظمت علمی بزرگان او را از مسیر تحقیق بی طرفانه تحت تاثیر قرار نمی داد. نقد عالمانه نظریات شماری از شخصیت های حوزوی در شماری از آثار او کاملاً نمایان است.

آزاداندیشی به تمام معنا در عمق افکار و اندیشه های او موج می زد. آزاد اندیشی در فقه، تفسیر، کلام، تاریخ و مسائل اجتماعی از دیگر ویژگی های آن مرحوم بود. در این باره کافی است به کتاب «مجموعه مقالات» او بنگرید.

استقلال علمی او که همراه با عفت قلم و نثر روان و استوارش بود وجهه حوزوی او را ممتاز و برجسته ساخته بود. او بیش از نوشتن به اندیشیدن می پرداخت و به کارهای نیمه تمام و نارسا اعتنایی نمی کرد. کم می نوشت اما پخته و سخته می نوشت. حجم آثار او نسبت به بسیاری از نویسندگان اندک است اما سرشار از پختگی و دقت و توأم با فخامت و استواری

است. کلمه به کلمه و جمله به جمله نوشته های او حساب شده و از روی تامل و تانی است. او همیشه به کیفیت می اندیشید نه کمیت.

- کتاب شهید جاوید فلسفه قیام امام حسین(ع) را چه چیزی می داند؟

مؤلف «شهید جاوید» در این تحقیق نظر دو عالم بزرگ شیعی یعنی سیدمرتضی علم الهدی و شیخ طوسی را در کتاب «تلخیص الشافی» سوژه کار خود قرار داده است.

«شهید جاوید» دارای پنج بخش و یک خاتمه است. عنوان بخش های آن عبارتند از؛ ۱- علل قیام ۲- ماهیت قیام ۳- مراحل قیام ۴- هدف قیام و نتایج و آثار آن.

او پس از بحث و بررسی های همه جانبه به این نتیجه رسیده است که هدف نهایی قیام امام حسین(ع) تشکیل حکومت اسلامی بوده است. آن هم حکومتی بر مبنای حکومت پیامبر اسلام(ص) و علی(ع). آنگاه می نویسد: «پیروزی نظامی برای امام مطلوب درجه یک و صلح شرافتمندانه مطلوب درجه دو و شهادت مطلوب درجه سه بوده است، ولی برای کشته شدن هیچ گونه فعالیتی نکرد بلکه این عمال حکومت بودند که فرزند پیغمبر را کشتند و چنین خسارت بزرگی را بر جهان اسلام وارد ساختند.» (ص ۱۵۹)

- دیدگاه آقای صالحی نجف آبادی نسبت به جامعه کنونی به ویژه انقلاب اسلامی را چگونه ارزیابی می کنید؟

نگاه مرحوم صالحی در مورد جامعه و نیازهای آن نگاهی واقع بینانه و باز بود نه دگم و بسته. او مبنای مدیریت جامعه کنونی را مبتنی بر «مشورت» و «خردورزی» می دانست و در تمام نوشته ها و اظهاراتش خردورزی و تحمل مخالفان را مبنای اصلاح گری قلمداد می کرد. نامه مبسوط او به رئیس مجلس شورای اسلامی در زمان جنگ درباره کنفرانس طائف گویای چنین دیدگاهی است. او از طرفداران سرسخت امام خمینی(ره) و از مروجان پیشتاز آن بزرگوار بود تا جایی که به خاطر دفاع از او به سه سال تبعید در شهرهای دوردست محکوم شد و در این باره متحمل رنج فراوانی شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم تا آخرین لحظه حیات وفادار به انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) باقی ماند و کتاب «ولایت فقیه حکومت صالحان» را در ضرورت تشکیل حکومت اسلامی نگاشت و نقش مردم را در فعلیت و تحقق چنین حکومتی امری اساسی و محوری به حساب آورد.

- آیا پس از کتاب «شهید جاوید» تاکنون اثری جدید در موضوع قیام امام حسین(ع) که بتواند به صورت استدلالی فلسفه قیام را بررسی کند، سراغ دارید؟

در میان آثار مکتوبی که درباره قیام امام حسین(ع) به رشته تحریر درآمده است معمولاً «ابعاد عاطفی» در بررسی قیام بیشتر مدنظر قرار گرفته تا «منهج عقلانی». و عمده امتیاز کتاب «شهید جاوید» لحاظ کردن «منهج عقلانی» در تحلیل و بررسی این قیام جاودانه است و تا زمان تالیف این اثر کتابی با این سبک و سیاق به شیوه استدلالی آن هم با نقد و بررسی همه جانبه اخبار دیده نمی شود. اما پس از آن تنها کتابی که تا حدودی به آن سمت و سو نزدیک شده و

مبنای پژوهش را بر دلیل و برهان مبتنی کرده اثری است به نام «عاشوراپژوهی» درباره هدف امام حسین(ع) به قلم نویسنده توانا آقای محمد اسفندیاری که در سال ۱۳۸۷ توسط نشر صحیفه خرد در قم انتشار یافته است. شاکله این کتاب متأثر از «شهید جاوید» است و کم و بیش در همان سمت و سو به تحلیل و تفسیر می پردازد. این اثر با نثری روان و استوار دارای سه بخش است؛ ۱- هدف شناسی امام حسین(ع) ۲- کوفه انتخاب درست امام ۳- دیدگاه گذشتگان. به گمان اینجانب پس از «شهید جاوید» این کتاب در میان آثار گوناگونی که نگارش یافته اثری معقول و موفق به شمار می رود و نویسنده آن درخور تحسین و تشویق است.

-با توجه به اشاعه بعضی از خرافات در عزاداری ها و تحریفات عاشورا در شرایط کنونی چه

کتاب هایی را به خوانندگان برای مطالعه توصیه می کنید؟

حداقل دو کتاب در این باره می تواند برای دفع خرافات و آگاهی از تحریفات عاشورا مفید واقع شود؛ ۱- کتاب «لولو و مرجان» از مرحوم میرزا حسین نوری طبرسی استاد مرحوم شیخ عباس قمی که بارها چاپ و منتشر شده است. ۲- کتاب «عاشورا، عزاداری و تحریفات» که به کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۶ توسط نشر صحیفه خرد در قم انتشار یافته است.

تجلی دوگانه تأثر و امید

دکتر محیط طباطبائی

در ایران پدیده های فرهنگی همیشه به دو وجه یا صورت تجلی می نمایند، یک وجه همان شکل حقیقی و تاریخی است همانند واقعه عاشورا که در آن حضرت امام حسین(ع) بر اثر حوادثی که در طول تاریخ نقل شده است تسلیم زور یزید نشدند و شهادت را انتخاب کردند و در کربلا توسط قشون ابن زیاد به شهادت رسیدند، اما وجه دوم یا شکل دوم این پدیده در فرهنگ ایرانی ویژگی خاصی را می یابد. برای وضوح بیشتر مطلب به ذکر مثالی می پردازیم، شیخ بهایی سمبل فرهنگ معماری یا مهندسی ایران است و وجه دیگر وی همان وجه تاریخی شیخ بهایی است یا حضرت علی(ع)، وجه تاریخی ایشان همان امام اول شیعیان و داماد حضرت رسول(ص) و... هستند و وجه دوم ایشان در جای جای فرهنگ مردم این سرزمین نقش بسته است. از داستان های عامیانه گرفته تا نواهای فولکلور ایران و... در نهایت اوج این تأثیر را در خاوران نامه می توان مشاهده کرد که قهرمان آن حضرت علی(ع) است.

بنابراین صورت دوم واقعه عاشورا تلاش در راه زنده نگه داشتن یک نحوه تفکر و اندیشه است که هر سال در مراسم ویژه عاشورا بازسازی می شود و به این ترتیب حفظ می شود و در حقیقت صورت ایرانی یا هویت ایرانی این مراسم است به بیانی دیگر تشیع و ایرانیت با هم تلفیق شده اند. حداقل طی چهار یا پنج قرن اخیر در مراسم عاشورا تجلی دوگانه آن را مشاهده می کنیم. بسیاری از مناسک و آیین های عاشورا ریشه در تاریخ ایران دارند. در حقیقت آیین سوگ، آیینی است که بیش از ۱۴۰۰ سال قدمت دارد مثلاً در سوگ سیاوش و تداوم آن و...

بنابراین عاشورا درست است که زنده نگه داشتن قیام علیه ظلم و پایداری و... است اما جنبه دیگر آن این حقیقت است که عاشورا بخشی از میراث آیینی - فرهنگی سرزمین ماست و در این بخش در فرهنگ ما و در روند هنرهای این سرزمین موثر واقع شده است مثلاً در هنر نمایش، در هنر نگارگری، در شعر، در ادبیات و... همان طور که می دانیم یکی از قدیمی ترین شعرهای زبان فارسی شعر درباره عاشورا از کسایی مروزی است، این معرف همان ریشه تاریخی است.

دو پدیده ایرانی بودن و تشیع در آیین عاشورا به هم گره خورده اند و به هم پیوسته اند و نمی توانیم از یکدیگر جدا کنیم مثلاً وقتی درباره تشیع صحبت می کنیم ایران وجود دارد و امروزه هر جا درباره ایران صحبت می کنیم با پدیده شیعه روبه رو هستیم و این موضوع را می توانیم در درازنای تاریخی اش مشاهده کنیم به عبارت دیگر عاشورا و آیین های مرتبط با آن بخش عمده یی از فرهنگ ما، هنر ما، ادبیات ما، رفتارهای ما، روش های سوگواری ما و... را دربرگرفته است.

در اینجا برای درک بهتر موضوع به ذکر مثالی بسنده می کنیم. در جنگ چالدران شاه اسماعیل در مقابل سلطان سلیم شکست می خورد اما پس از آن یعنی بعد از شکست شاهد تولد ایران هستیم و به عبارتی دولت ملی ایران تشکیل می شود بنابراین اگر شکستی در ظاهر شکست باشد ولی در بطنش یک نوع زنده بودن و تداوم حیات جریان داشته باشد خود منجر به پیروزی است در حقیقت این سوگ نیست شکل سوگ دارد اما سرانجام آن امید است به همین دلیل است که مراسم عزاداری حسین بن علی (ع) با صورتی که دارد با تاثر به پایان نمی رسد در حقیقت تاثری است که سرانجام و انتهای آن امید است پس چون با امید پیوند می خورد شکل خاصی از پدیده آیینی را به وجود می آورده است. تلفیق سوگ و امید در کنار یکدیگر است که ما در طول تاریخ شاهد آن بوده ایم بنابراین مهم پیروزی و شکست نیست بلکه زنده

بودن فکر و آیین است که در حقیقت عاشورا از بخش عمده یی از فرهنگ عمومی و فولکلور سرزمین ما و در حقیقت فرهنگ شفاهی ایران برگرفته شده است.

پدیده « شهید جاوید »

مصطفی ایزدی



موضوع قیام حضرت سیدالشهدا حسین بن علی (ع) یکی از دامنه دارترین و در عین حال پرتحریف ترین موضوعاتی است که صدها و بلکه هزاران کتاب در طول ۱۴ قرن گذشته توسط اندیشمندان پرمایه و محقق یا نویسندگان کم سواد و بی مایه درباره اش نوشته شده است. آیت الله حاج شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی موضوع قیام امام حسین (ع) را حتی فراتر از یک حادثه تاریخی که پرداختن به آن از نگاه تاریخ نگاری امر رایجی شده، می داند و معتقد است باید به همان سبک درس های عالی اجتهادی (خارج) از طرف علمای طراز اول مورد تحقیق قرار گیرد. صالحی نجف آبادی معتقد است؛ «مساله قیام امام حسین (ع) یکی از پیچیده ترین مسائل تاریخی اسلام است و علت این پیچیدگی، اختلاف و تعارضاتی است که در مدارک مربوط به این مساله وجود دارد و به همین جهت در تشخیص حقیقت این قیام نظرهای متضادی اظهار شده و از طرفی چون عمل امام حجت است باید واقعیت نهضت آن حضرت شناخته شود تا مردم بتوانند از آن پیروی کنند بنابراین حرکت امام موضوع یک مساله مهم فقهی و عملی است و تا موضوع حکمی مشخص نشود عمل به آن حکم غیرممکن است. از این رو پیشنهاد می شود مساله قیام سبط پیغمبر (ص) در حوزه های علمیه به همان سبک درس های عالی اجتهادی (خارج) از طرف علمای طراز اول مورد تحقیق قرار گیرد و محصول اجتهاد آنان منتشر شود تا به این وسیله هم به این آشفتگی که در نوشته های نویسندگان و گفته های گویندگان وجود دارد خاتمه داده شود و هم مردم از سرگردانی نجات یابند و هم پیروی و بهره برداری از قیام عظیم امام میسر شود.» با این دیدگاه صالحی نجف آبادی وارد تحقیق و پژوهش در موضوع قیام امام حسین (ع) شد و پس از هفت سال بررسی و کنکاش جامع و همه جانبه، کتاب ارزشمند « شهید جاوید » را به جامعه اسلامی و علاقه مندان به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و پژوهشگران تاریخ اسلام ارائه کرد. گزارش انتشار کتاب شهید جاوید و بحث ها و جدل هایی که بر سر آن در حوزه های علمیه در میان روضه خوان ها، در میان مردم کوچه و بازار و در میان انقلابیون سال های ۴۹ تا ۵۲ پیش آورد بسیار مفصل و خواندنی است اما ارائه آن گزارش - که خود کتاب مفصلی خواهد شد - در این مقاله میسر نیست و وسع اندک این نوشته اجازه چنین کاری را

نمی دهد. نکته اول اینکه چه شد آیت الله صالحی به تالیف « شهید جاوید » دست زد؟ ایشان در پاسخ به این پرسش و ایجاد انگیزه برای کار تحقیق در موضوع امام حسین (ع) و شهید جاوید گفته است؛ « مرحوم آیت الله بروجردی در حوزه قم یک روح تحقیق دمید و چون من مجذوب ایشان بودم این مطلب در روح من اثر زیاد گذاشت که در هر مساله یی تحقیق جدید بکن. استاد هر چه گفت، گفت، برای خودش گفت. نظر خودش بود. این را آقای بروجردی برای ما کاملاً جا انداخت. لذا این روحیه در من کاملاً جا گرفت که هر مساله یی را باید از نو فکر کرده، بعد از فکر فهمید که فلان آقا این مساله را که گفته، آیا درست گفته یا درست نگفته؟ بالاخره در هر مساله جدید ما باید فکر کنیم و خودمان فکر کنیم. من درباره همه مسائل، نه منحصرأ در قضیه امام حسین (ع) در هر بحثی، فقهی، اصولی، تفسیری، رجالی و تاریخی فرق نمی کند من این روحیه را اعمال می کردم. یک روز دعوت شدم برای سخنرانی در انجمن مهندسين ايران. قرار بود در جلسه انجمن مهندسين در ایام عاشورا پیرامون نهضت امام حسین (ع) صحبت کنم. طبیعی است در یک چنین جلسه یی تحصیلکرده های دانشگاه، روشنفکرها و استادان حضور دارند. باید مطالبی ارائه شود که مورد قبول واقع شود و تکرار مکررات نباشد. برای این جلسه خودم تحقیق جدیدی کردم. تمام منابع را باید زیر و رو کنم از قدیم و جدید، مقایسه کنم و بینم علمای ما از قدیم چه گفته اند و علمای جدید ما چه گفته اند و روایات در این باب چیست و حق در مساله کدام است. این تحقیقات بنای شهید جاوید شد.» (برداشت از خاطرات چاپ نشده).

یادی از آیت الله صالحی نجف آبادی

احمد قابل: هرگاه سخن از روش های فقهی و اصولی به میان می آید، رویکردهای اخیر حوزه های علمیه (در سده های ۱۰ تا ۱۴ هجری) و سیطره نگرش فقهی و اصولی بر کلیت معارف « شریعت محمدی » (ص) به ذهن مخاطب تبادر می کند. به عبارت دیگر؛ گویی راه و روشی دیگر، نمی توان یافت تا به حقایق شریعت، راهنمایی کند و بخش فقهی و احکام شریعت را به عنوان زیرمجموعه مبانی و مسائل کلامی و اخلاقی شریعت قرار دهد. رویکرد رایج چند سده اخیر (اگر زمان های پیشین را بتوانیم استثنا کنیم) عدم توجه فقیهان و دانش فقهی به مبانی و مباحث کلامی و اخلاقی را نشان می دهد. گرچه در مقام نامگذاری از

بحث‌های کلامی و اخلاقی به عنوان « اصول » و از مباحث فقهی به عنوان « فروع » یاد کرده‌اند ، ولی همیشه جایگاه فرع و اصل را تغییر داده‌اند و « احکام شریعت » را مبنای پذیرش « عقاید و اخلاق » قرار داده‌اند و « از فرع به اصل » گذر کرده‌اند ؛ در حالی که اقتضای منطق و عقلانیت « گذار از اصل به فرع » است.

نگاه اولیه به فرهنگ دینی رایج در جوامع اسلامی ، آشکارا بر این جا به جایی گواهی می‌دهد و البته اهل تحقیق را نگران می‌سازد که چگونه این وارونگی را ترمیم کنند. همان واژگونی که امیر مؤمنان علی(ع) با عبارت ؛ « لبس الإسلام لبس الفرو مقلوبا = اسلام ، پوستینی واژگونه ، پوشانده شده است » .

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، در جای‌جای فرهنگ اسلامی، این تغییرات و تحریفات را رصد کرده بود و در محدوده توان خویش ، اقدام به « اصلاح و بازسازی اندیشه دینی » و نشان دادن تحریفات می‌کرد .

اهم رویکردهای اجتهادی آیت‌الله صالحی را می‌توان در چند نکته گزارش کرد :

۱- در بخش فقه و مبانی آن (اصول فقه) ضمن بهره‌گیری از روش‌های معهود حوزوی، باید به تطبیق و تصحیح مبانی فقهی (که فروع شریعت را تشکیل می‌دهند) مبتنی بر «مبانی کلامی و اخلاقی» مورد قبول (که اصول شریعت را در دو بخش نظری و عملی تشکیل می‌دهند) پرداخت. در این مسیر، بیشترین ارزش مربوط به «عقل» و در مرحله دوم مربوط به «نقل معتبر» (قرآن و روایات معتبره) است و هرگاه دلیل قانع‌کننده عقلی یا نقلی معتبری وجود داشته باشد، باید آن را برگزید و به آن فتوا داد و از مخالفت با رویکردهای ظاهراً اجماعی (اگر آن را مخالف عقل یا نقل معتبر می‌یافت) هیچگونه هراسی نباید داشت.

۲- اجتهاد حقیقی باید از مبانی کلامی تا مبانی فقهی را در بر گیرد و سپس از آن در استنباط راهکارهای عملی الزامی شریعت، یعنی؛ حلال و حرام و واجبات و محرمات فقهی، بهره برده شود. وانهادن حتی یک مرحله از این «سیر معرفتی اجتهادی» عملاً به تقلید پنهان می‌انجامد که تنها در پوششی ظاهری از اجتهاد، خود را نهان ساخته و رهرو را دچار اشتباه می‌کند که خود را مجتهد بنامد، در حالی که چنین فردی «مقلدی است که اطلاعات عمومی‌اش بیش از سایر مقلدان است».

مرحوم آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی، خود آشکارا می‌گوید: «پس از مدتی تحصیل، در همه چیز شک کردم و تصمیم گرفتم تمام آنچه را که از راه تلقین و تقلید در ذهنم رسوب کرده بود، دور بریزم و با نگاهی علمی و عقلی و دور از یافته‌ها و بافته‌های این و آن، مورد تجربه و تحلیل قرار دهم. بنا بر این آنچه را که به آن رسیده‌ام، با تحقیق و تفکر و بر اساس دلایل متقن و محکم به دست آورده‌ام، به گونه‌ای که هیچ شک و تردیدی در آن‌ها ندارم و جزو باورهای من است».

ایشان با این سخن خود، یادآور کلام دلنشین علی بن ابی طالب (ع) می‌شود که فرمود: «لو خلی عنان العقل ولم یحبس علی هوی نفس او عاده دین او عصبیه لسلف، ورد بصاحبه علی النجاه = اگر زمام عقل، رها شود و در بند هواهای نفسانی و عادات دینی و تعصب نسبت به پیشینیان گرفتار نشود، صاحب خود را به وادی نجات می‌رساند».

۳- آثار منتشره مکتوب و محدود فقهی او، عمدتاً شامل کتاب‌ها و مقالاتی می‌شود همچون؛ «۱- پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی (طهارت و نجاست، اخبار آب کَرّ، طهارت کافر و ...) ۲- جهاد در اسلام (اثبات دفاعی بودن تمامی جنگ‌های زمان پیامبر) ۳- ولایت فقیه، حکومت صالحان (که به اثبات مسأله وکالتی بودن آن از سوی مردم می‌پردازد) ۴- تفسیر

آیه محاربه ۵- قضاوت زن در فقه اسلامی و چند مقاله دیگر .
سیری اجمالی در این کتاب‌ها و مقالات ، نشان دهنده اهمیت « عقلانیت » در بررسی‌های فقهی او است . او نشان می‌دهد که به هنگام پشتیبانی عقل و نقل معتبر ، نباید از بزرگی بزرگان و مخالفت آنان ترسید و باید حقایق علمی را آشکارا بیان کرد و از کتمان حقایق شریعت پرهیز کرد .

۴- ارزش « عقل و قرآن » برای سره و ناسره کردن روایات منقوله و معیار بودن این دو مقوله با ترتیب ؛ « ۱- عقل ۲- قرآن » در تمامی رویکردهای تحلیلی او و در حوزه‌های مختلف معارف اسلامی، سیره مستمره او را در شیوه اجتهادی‌اش نشان می‌دهد .

۵- مرحوم صالحی ، همچون استادش مرحوم بروجردی ، بر لزوم بازخوانی تاریخ و تأثیر بخشی آن در کشف حقایق شریعت ، تأکید می‌ورزید . به همین جهت ، تبحری مثال زدنی در تاریخ و « علم رجال » داشت و کشفیات کم‌نظیری در مورد احادیث مجعوله داشت که اندکی از آن را در کتاب « غلو » و برخی مقالات دیگر خود ، آورده است .

۶- در مبانی فقه شیعه ، از « اجماع » به عنوان دلیلی مستقل برای استنباط احکام شریعت یاد نمی‌شود ؛ بلکه تنها به عنوان زیر مجموعه « سنت » ارزش‌گذاری می‌شود. به عبارت دیگر؛

حداکثر توان اجماع در فقه شیعه « حدس وجود دلیل معتبر نامشخص و مجملی از نوع قول یا

فعل یا تقریر معصوم » است که منشأ رویکرد اتفاقی و اجماعی عالمان شیعه در خصوص یک

مسئله شده است . این « حدس معتبر » بنا بود در جایی معتبر شمرده شود که هیچ‌گونه دلیل

علمی دیگری از نوع « دلیل عقل ، قرآن یا روایت معتبره » در خصوص مسئله‌ای که اجماعی

شمرده می‌شود ، وجود نداشته باشد .

اندک‌اندک این مطلب دچار تغییر و تحول جدی شد و « تسلط روش و رویکرد تقلیدی » کار

را به آنجا رساند که در بسیاری موارد ، با ادعای اجماع، در برابر دلایل محکم عقلی و نقلی

معتبر می‌ایستند و برخلاف دلایل معتبره فتوا می‌دهند و تنها مستندی که ارائه می‌کنند، دلیلی به نام « اجماع » است !

رویکرد آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی، اعتماد به مبانی منطقی پذیرفته شده و مراجعه به دلایل مستقلی چون « دلایل عقلی و نقلی معتبره » و عدم اعتماد به دلیل غیر مستقلی چون « اجماع » است؛ تا چه رسد به « ادعای اجماع » که در اکثر موارد، ادعایی « غیر واقعی » است. به عبارت دیگر؛ شبه دلیلی چون « اجماع » که بنا بود به عنوان « معین الحجه » به یاری عالمان آید تا « سنت احتمالی » را از طریق آن پیدا کنند، زور و توانش را چنان افزایش دادند که در برابر قوی‌ترین دلایل شریعت، یعنی « عقل و قرآن و سنت معتبره » نیز می‌ایستند و مانع تأثیرگذاری آن‌ها در آراء فقیهان و عالمان شریعت می‌شود و نقش « مانع الحجه » را برعهده گرفته است !

مرحوم صالحی در مبارزه با این رویکرد ضدعلمی، همه حیثیت و توان علمی و اجتماعی خود را به میدان آورد و تا زنده بود با آن مبارزه کرد و « دفاع از مبانی علمی » را هرگز فراموش نکرد و غریبانه با آثار و لوازم غیر منطقی رویکرد رایج درگیر شد. به گمان من، میراث این عالم فرزانه و صالح، برای اهل تحقیق و نظر و مجتهدان آگاه و شجاع، سرمایه‌ای عظیم را فراهم آورده است تا با دغدغه‌ای به مراتب کمتر از آن علامه فرهیخته و شجاع، راه او را ادامه دهند و چراغی را که او بر افروخت، با ایمان و بردباری و تواضعی که او داشت و حقیقتاً کم‌نظیر بود، برای همیشه فروزان بدارند.

۷- مرحوم صالحی نجف‌آبادی، به پیروی از استادش مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، اعتقاد ثابتی به « فقه مقارن » داشت و خود به لوازم علمی آن شدیداً ملتزم بود. آگاهی او از نظریات اهل سنت و آشنایی کم‌نظیر او نسبت به متون روایی، تاریخی، اعتقادی و فقهی آنان و عدم تعصب نسبت به قبول نظریات مستدل و منطقی ایشان، امکان تعاطی فکری با عالمان اهل سنت

را برای وی فراهم می‌کرد. افسوس که از توانایی کم‌نظیر او در این زمینه‌ها عملاً کمتر سود برده شد.

۸- هزینه‌هایی که برای تثبیت رویکرد «عقلانی»، در تمامی ساحات معارف شریعت، باید پرداخت می‌شد، از سوی بزرگمردی چون آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی و برخی همفکران و دوستان وی تاکنون پرداخت شده است. همه‌گونه تهمت و محرومیت و بی‌توجهی و مظلومیت را در بیش از نیم قرن، این مرد بزرگ تحمل کرد. بزرگان دیگری از عالمان شیعه نیز وجود داشتند که الگوی مرحوم صالحی بودند و حقیقتاً رنج تهمت‌ها و بی‌توجهی‌ها را چشیده بودند. ابن جنید، ابن ابی عقیل، مقدس اردبیلی، ملاصدرا، شیخ هادی نجم‌آبادی، سید محمد طباطبایی و بسیاری دیگر از افراد کمتر شناخته شده، رهپوی این کوی بوده‌اند و از تلاش باز نایستاده‌اند.

امروزه کسانی که پای در این راه نهاده و یا می‌نهند، خطرات و دغدغه‌های به مراتب کمتری را تجربه می‌کنند و در حقیقت، کنار سفره نسبتاً آماده‌ای می‌نشینند که باید به یاد پیشینیان و پیشکسوت‌های زجر کشیده خود باشند و با تلاش جدی و رعایت پرهیزکاری، مقتدرانه و با اتکای به عقل و علم و قرآن و احادیث معتبره، راه سلف صالح را ادامه دهند و از «اصلاح اندیشه دینی» خسته نشوند و سستی به خود راه ندهند.

برای «اصلاح اندیشه دینی» و از جمله «احکام و فقه شریعت محمدی» (ص) باید چون صالحی نجف‌آبادی، صالح بود و مصلح. نام او حقیقتاً تداعی می‌کند کلام سید الشهداء (ع) درباره «حربن یزید ریاحی» را که «انت حرّ، کما سمّتک امّک = تو آزاده‌ای، همانگونه که مادرت نامگذاری‌ات کرده است».

کدیور گفت: سه ویژگی «عمق اطلاعات علمی»، «نقادی» و «آزاداندیشی و شجاعت علمی»، صالحی را از دیگر علمای معاصر خود متمایز می‌کرد.

به گزارش خبرنگار "ایلنا"، محسن کدیور که در نشست "ستیز با تحجر و غلو در عرصه دین" به مناسبت گرامیداشت آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی در دانشگاه تهران و با عنوان "نقش صالحی در نقد غلو" سخن می‌گفت، با بیان اینکه محور آثار صالحی نقد افرادی بود که به لحاظ علمی بسیار قوی بودند، گفت: به طور مثال صالحی نقدهایی بر آرای علامه طباطبایی و استاد مطهری نوشته و آرای خود را با شجاعت بی‌نظیری ابراز می‌داشت در حالی که بسیاری از علمای آزاداندیش هستند که جرات بیان یک نقطه از آرای خود را ندارند.

کدیور با بیان اینکه صالحی نجف‌آبادی با اسلام عوامانه وارد چالش شد، گفت: نباید انتظار داشت در صدا و سیما کلمه‌ای درباره او سخن بگویند زیرا او منتقد بزرگ مداحان و روضه‌خوانان بی‌سوادی است که همه منابر و کانال‌های تلویزیونی را پر کرده‌اند و اگر صدا و سیما اندیشه‌های صالحی را منتشر کند، تیشه به ریشه این افراد می‌زند.

وی آثار صالحی را به چهار دسته تقسیم کرد و گفت: دسته اول آثار او، تفسیر قرآن و برخی از آیات این کتاب مقدس است؛ تفاسیر قرآن صالحی کمتر از المیزان نیست.

کدیور یکی از ضعف‌های المیزان را عدم تفسیر آثار فقهی دانست و گفت: صالحی بحث‌هایی درباره آیه محاربه و آیه مودت مطرح کرده و در تفسیر آیه مودت به زیبایی نشان داده که ذهنیت فعلی مسلمانان در خصوص این آیه اشتباه است.

وی گفت: اکنون از آیه مودت این تفسیر وجود دارد که پیامبر(ص) می‌گوید من از شما اجری نمی‌خواهم و تنها حرمت اهل بیت مرا حفظ کنید. در حالی که صالحی نجف‌آبادی بر این نکته تاکید دارد که این آیه مکی است و نه مدنی و خطاب به کفار قریش نازل شده و نه مسلمانان مدینه، بنابراین پیامبر گدایی دوستی برای خانواده خود نکرده است و اصل حرف این است که ای قریش من خویشاوند شما هستم اما اجری از شما نمی‌خواهم و تنها می‌خواهم که حرمت خویشاوندی مرا حفظ کنید و بگذارید که من رسالتم را انجام دهم.

کدیور با بیان اینکه صالحی اعتقاد داشت که قرآن باید روایات را محک بزند نه اینکه فهم قرآن مبتنی بر روایات باشد، گفت: صالحی می‌گوید ملاک اسلام، قرآن است و روایتی معتبر است که معارضه‌ای با کتاب نداشته باشد، در واقع صالحی با ملاک قرآن و عقل به نقد روایات رفت.

وی ادامه داد: همچنین نقد آیه تطهیر که پایه عصمت در شیعه است، یکی از تفسیرهای صالحی است که به زبان عربی نوشته شده و هنوز چاپ نشده است.

کدیور با بیان اینکه نقد حدیث و همچنین آرای فقهی دو دسته دیگر از آثار صالحی هستند ، گفت : صالحی می‌گوید در کتاب شیخ طوسی **اقوال ابوجعفر طبری** آمده است که نسخه‌برداران پس از وی ، آن اقوال را به نام **ابوجعفر که کنیه امام محمد باقر(ع)** است ، ثبت کرده‌اند .

وی با اشاره به اینکه "اختلاف علمی درباره علم امام" ، یکی از مقالات بسیار ارزنده صالحی نجف‌آبادی است ، گفت : همچنین وی آثار فقهی بسیار ارزشمندی دارد که از آن میان "جهاد اسلامی" ارزشی حتی بیش از "شهید جاوید" دارد .

کدیور با بیان اینکه صالحی معتقد است که ولایت فقیه اخباری و انشایی است ، گفت : وی اولین کسی است که معتقد است ولی فقیه را مردم باید انتخاب کنند یعنی باید انشایی باشد .

این استاد دانشگاه با اشاره به اعتقاد صالحی مبنی بر اینکه عدم توانایی زن برای قضاوت هیچ مبنای قرآنی ندارد ، ادامه داد : صالحی همچنین به طهارت انسان و طهارت غیر مسلمان اعتقاد داشت و بحث نجاست و طهارت را به امور بهداشتی مرتبط می‌دانست .

کدیور با اشاره به بخشی دیگر از اعتقادات صالحی ، افزود : از نظر صالحی هر مسلمانی اگر به مذهب خود عمل کند ، عندالله مأجور است و خود در این باره می‌گوید شیخ‌الزهر عمل به مذهب جعفری را مجاز دانست و من هم می‌گویم که عمل به همه مذاهب اسلامی درست است و خدا باید در این باره قضاوت کند .

وی با اشاره به اعتقاد صالحی به اینکه نمی‌توان کسی را در اسلام به زور مسلمان کرد و اگر مسلمان نشد ، گردن وی را زد ، گفت : صالحی معتقد است تحمیل عقیده مجاز نیست ضمن اینکه عوض شدن عقیده ، اختیاری نیست که برای آن مجازاتی قرار دهیم .

کدیور با بیان اینکه به اعتقاد صالحی اصل در اسلام بر صلح است ، گفت : از نظر صالحی اسلام از کلمه سلم می‌آید و دین صلح و مسالمت است .

وی دسته چهارم از آثار صالحی نجف‌آبادی را آثار تاریخ اسلام وی برشمرد و گفت : محور اصلی کار صالحی نقد احادیث بود و حتی تفسیر قرآن ، آثار فقهی و همچنین آثار تاریخی وی همه بر اساس نقد احادیث نوشته شده‌اند .

کدیور با بیان اینکه علوم حوزوی ما به شدت حدیث‌مدار است ، گفت : محور تفکر اسلامی در شیعه احادیث ائمه است اما باید توجه داشت که افرادی به دلایل مختلف احادیث نادرستی به امامان شیعه نسبت می‌دادند .

مقام صالحی نجف آبادی در نقد غلو

وی افزود: صالحی جاعلان روایات را به سه دسته تقسیم می‌کند؛ یکی دشمنان اسلام و تشیع که قصد داشتند با بالا بردن امامان شیعه آنها را تخریب کنند. دوم، اهل اباهه که ائمه را بالا می‌بردند تا بی‌دینی را رواج دهند و سوم، عاشقان افراطی که هنر صالحی پیدا کردن آن دسته از روایات بود که به لحاظ سند مشکلی نداشت و توسط دشمنان اسلام و تشیع جعل شده بود و توسط دسته سوم رواج می‌یافت.

کدیور با اشاره به اینکه به اعتقاد صالحی امام در تفکر شیعه جنبه الهی و بشری دارد، گفت: صالحی منکر جنبه الهی امام نیست اما می‌گوید باید مشخص شود سیاست متعلق به کدام جنبه است. صالحی معتقد است نهضت حسینی جنبه بشری امام حسین(ع) است و قابل بحث تاریخی است و حسین مانند یک انسان خردمند تصمیم گرفته است و شهید جاوید هم اولین تفکر معقول از نهضت حسینی در تشیع است.

وی با اشاره به بررسی همه روایات در حوزه علم امام توسط صالحی، گفت: صالحی نمی‌گوید که امام علم غیب ندارد بلکه می‌گوید امام آن چیزی را می‌داند که خدا می‌خواهد به وی بگوید نه اینکه هر چه را که خود می‌خواهد.

کدیور با اشاره به رساله بسیاری از بزرگان تشیع مبنی بر اینکه امام حتی به زمان وقوع قیامت عالم است، گفت: این موضوع با قرآن در تضاد است زیرا در قرآن ذکر شده است که برخی مسائل را از جمله زمان قیامت را به شما نخواهیم گفت.

وی ادامه داد: صالحی معتقد است علم غیب ائمه محدود است و آنان که اعتقاد به علم نامحدود امام دارند، بدون تردید غالی هستند.

کدیور با اشاره به حدیثی مبنی بر اینکه خداوند مطالبی محرمانه برای ائمه نوشته و آن را با مهر طلایی ممهور کرده است و برای سیدالشهدا نیز نوشته که چه زمانی شهید می‌شود، گفت: صالحی پس از تحقیقات فراوان مشخص می‌کند که این حدیث را یکی از کذابان بزرگ آن دوران گفته است.

وی با بیان اینکه به اعتقاد صالحی ائمه ماموریت ویژه نداشته‌اند، گفت: صالحی معتقد است ماموریت ائمه نیز مانند ماموریت همه علمای دین است.

کدیور با اشاره به آنچه امروز در خصوص شب قدر نقل می‌شود مبنی بر اینکه اعمال بندگان در شب قدر به امام حاضر تقدیم می‌شده و در زمان ما نیز به امام زمان تقدیم می‌شود، گفت: صالحی به خوبی نشان می‌دهد که این مسأله هیچ سندی ندارد و حتی اسناد معتبری نیز در تعارض با آن وجود دارد .

کدیور در پایان تاکید کرد: رده علمی صالحی نجف‌آبادی در حد مطهری، شریعتی و منتظری است .

پایان خبر به نقل از ایلنا خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران سرویس: سیاسی

محسن کدیور نقش متمایز آیت‌الله صالحی را در نقد غلو خواند و گفت: « صالحی سه ویژگی بارز داشت که آن را از سایر معاصران خود متمایز کرده است؛ **صالحی در علوم رایج اسلام، مجتهد، محقق و اندیشمندی عمیق بود.** »

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، دبیر انجمن دفاع از آزاد مطبوعات که در همایش "ستیز با تحجر و غلو در عرصه دین" گرامی‌داشت یاد آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی که از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار شده بود سخنرانی می‌کرد، با بیان این مطلب افزود: « صالحی آزاداندیش و نقاد بود که این ویژگی در دیگران کمتر دیده شده است. او نقادی بسیار چیره‌دست و زبردست بود. با کسانی هم که به لحاظ علمی در افتاد، افرادی قوی بودند. نقدهایی هم که به آرای علامه طباطبایی نوشته است بسیار قابل توجه است. نکات و دقایقی در نقد المیزان نوشته است که از وسعت و عمق آن، علما به تعجب می‌افتند و همین‌طور نقدی که بر آثار استاد مطهری نوشت. او در عداد مراجع فعلی است. »

کدیور افزود: « مرحوم صالحی نجف‌آبادی شجاعت عینی داشت. من سراغ دارم علمایی را که بسیار آزاداندیش هستند اما جرأت ندارند آن را مطرح کنند. صالحی نه تنها آزاداندیش و نقاد بود بلکه شجاعت بیان عقاید خود را داشت. صالحی با اسلام عوامانه وارد چالش شد .

وی ابراز عقیده کرد: « انتظار نداشتیم که در صدا و سیمای رسمی جمهوری اسلامی ما نامی از صالحی ذکر شود. »

وی افزود: « کتب صالحی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد؛ صالحی در تفسیر قرآن آثار درخشانی از خود به یادگار گذاشت. صالحی با بیان انتقاداتی نسبت به نوشته یکی از علما در خصوص تفسیر آیه‌ای از قرآن آورده است: **پیامبر از مردم گدایی دوستی با پیامبر را نکرده** است. باید به آیات توجه کرد و آنها را بر اساس شرایط نزول تاریخی‌شان تفسیر نمود. »

کدیور اظهار داشت: « صالحی - نقاد بزرگ در عصر ما - با ملاک قرآن و عقل به نقادی روایات رفت. تفسیری است از او که منتشر نشده. بر خانواده‌اش فرض است که آثارش را منتشر کنند. یکی از آثار منتشر نشده‌اش، **تفسیر آیه تطهیر** است. »

وی ادامه داد: « صالحی قهرمان نقد حدیث است. یک هفته پیش از فوتش به بیمارستان رفتم. بحثی در مورد آثارش درباره غلو مطرح شد. صالحی با اشتیاق گفت این بحث باید ادامه پیدا کند و تأکید داشت که در شرایط فعلی حتما باید روی آن کار شود. »

کدیور گفت: « بخش سوم آثار صالحی، آثار فقهی است. صالحی فقیه بزرگی است. صالحی تأکید دارد دو نوع ولایت فقیه داریم؛ ولایت فقیه اخباری و ولایت فقیه انشایی. ولایت فقیه اخباری که در آن مردم باید رای دهند و انشایی که از طرف خداوند ولی فقیه منصوب می‌شود. صالحی معتقد است نمی‌توان ولایت فقیه اخباری را تأیید کرد و باید ولایت فقیه انشایی باشد. ممکن است من با ایشان اختلاف نظری داشته باشم اما صالحی در کتاب‌هایش به این بحث پرداخته است. »

وی ادامه داد: « صالحی می‌گوید هیچ آیه‌ای مبنی بر محرومیت زنان از قضاوت نیست و تأکید دارد که در قرآن و اسلام سراغ ندارد که کسی را به زور بتوان مسلمان کرد و اگر مسلمان نشود، باید گردنش را بزنید. می‌گوید اینها دروغ است که به اسلام بسته‌اند. اصلاً عوض شدن عقیده کار اختیاری نیست که به واسطه آن فرد را مجازات کنیم. صالحی می‌گوید اصل در اسلام صلح است، نه جنگ. اسلام دین خون و شهادت نیست. اسلام از مسلم است، دین صلح و مسالمت. »

کدیور افزود: « نقد حدیث، محور کارهای صالحی بود. علوم حوزوی ما، علوم حدیث‌مدار است. محور تفکر اسلامی شیعی در عصر ما بر حدیث از ائمه می‌چرخد. حرف تازه‌ای که صالحی می‌گوید این است که افرادی که روایات را جعل کرده‌اند، سه دسته‌اند؛ عده‌ای دشمنان قسم خورده که می‌خواستند آبروی اسلام را ببرند و مردم را به اسلام بدبین کنند. هنر صالحی پیدا کردن روایات جعلی بود که به لحاظ سندی مشکل ظاهری ندارد. »

وی گفت: « دسته دوم از جاعلان در حوزه حدیث، کسانی بودند که اهل اباحه و لابالی‌گری بودند. دسته دیگر، عاشقان افراطی بودند که فکر می‌کردند هرچه به ائمه اضافه کنند به آنان خدمت کرده‌اند. امام‌شناسی صالحی از همه قوی‌تر است. صالحی کتاب الحجره کافی را با دقت بررسی و درباره آن تحقیق عمیقی کرده است. »

وی ادامه داد : « کار تازه صالحی این است که می‌گوید نهضت حسینی که یک فعل سیاسی سرزده از امام حسین (ع) است و در جنبه بشری او قرار می‌گیرد ؛ لذا قابل بحث تاریخی است . امام حسین (ع) مثل یک انسان خردمند تصمیم گرفت که قیام کند . »

وی با بیان اینکه تاثیر صالحی در ارائه مباحث منطقی در دین کم از شریعتی نیست ، گفت : « صالحی می‌خواهد اثبات کند که امام حسین (ع) می‌خواست کار معقول انجام دهد . اگر بگوییم که امام کار معقول انجام داده است ، منکر علم پیشین امام شده‌ایم . می‌گوید آیا امام وقتی می‌خواهد تصمیم سیاسی بگیرد بر اساس علم لدنی‌اش تصمیم می‌گیرد یا بر اساس عقل ؟ و اینجا به جد با مرحوم طباطبایی وارد چالش می‌شود . »

کدیور ادامه داد : « امروز هیچ‌کس نمی‌گوید من غالی یا متحجرم . باید اینها شاخص داشته باشد . صالحی در آثار خود نشان داد اندیشه حقیقی در حوزه امام اگر از این خط فراتر رود ، غالی است . »